

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره نهم - آذر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۵

بررسی و مقایسه مضامین مشترک در تحفه الغرائب طبری و عجایب نامه

همدانی

(ص ۳۰۷-۲۸۵)

پروین ابیضی اسفهلان^۲ (نویسنده مسئول)، احمد محمدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: اردیبهشت ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تیر ۹۹

چکیده

موضوع پژوهش حاضر بررسی و مقایسه مضامین مشترک در تحفه الغرائب طبری و عجایب نامه همدانی است. فن عجایب نامه نویسی و پژوهش در شگفتیه‌های عالم توسط نویسندگان علاقمند در ادوار مختلف مورد توجه واقع شده است. اغلب پژوهشگران، کتابها و نوشته‌های مربوط به موضوع عجایب نامه نویسی را در ردیف کتب جغرافیا دسته‌بندی کرده‌اند ولی باید توجه داشت که گستره مطالب موجود در این کتب، فراتر از حدود جغرافیایی است و مصادیق مورد اشاره در آنها به منزله دانشنامه‌ای از علوم مختلف-البته بعضا با چاشنی تخیل و اغراق- قابل بررسی هستند.

دو اثر مورد مطالعه در این تحقیق در فاصله تقریبی نیم قرن از یکدیگر نگارش یافته‌اند که به خاطر قدمت کتاب تحفه الغرائب، برخی از مضامین این کتاب در عجایب نامه همدانی دیده می‌شود.

سوال اصلی پژوهش: همدانی در اثر خود تا چه اندازه از مضامین تحفه الغرائب بهره‌جسته و چه وجوه اختلافی بین مضامین مشترک دو کتاب دیده می‌شود؟ پاسخ احتمالی این پرسش اینکه همدانی حدود نیمی از مضامین کتاب تحفه الغرائب در زمینه عجایب نویسی را از بابهای بیست و یکم تا بیست و ششم این کتاب اخذ کرده است. وجوه اختلاف بین این مضامین بسیار اندک و عمدتاً مربوط به مکان آن پدیده‌ها و یا نام پدیده‌های شگفت است.

کلمات کلیدی: عجایب‌نامه، طبری، همدانی، نثر فارسی قرن چهار و پنج، مضامین مشترک.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران (p.abiyazi@pnu.ac.ir)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران (a_mohammadi56@pnu.ac.ir)

Study and comparison of the common topics of Tohfato Al-Gharib of Tabari and the Ajayeb nameh of Hamedani

Parvin abyazi esfahlan (the responsible writer),^۱ Ahmad Mohammadi^۲

Abstract

The subject of the present study is the study and comparison of common themes in the Tohfato Al-Gharib of Tabari and the Ajayeb nameh of Hamedani. The technique of writing and researching wonders of the world has been considered by interested writers in different eras. Most researchers have categorized books and writings on the subject of exotica in the category of geographical books, but it should be noted that the scope of the contents of these books exceeds the geographical limits and the examples mentioned in them as an encyclopedia of The various sciences - albeit sometimes with the imagination and exaggeration - can be examined.

The two works studied in this study were written about half a century apart, and due to the antiquity of the book of Tohfato Al-Gharib, some of the contents of this book can be seen in the wonders of Hamedani's letter.

The main question of the research: To what extent has Hamedani used the themes of the Tohfato Al-Gharib in his work and what are the differences between the common themes of the two books?

The possible answer to this question is that Hamedani has taken about half of the themes of the book Tohfato Al-Gharib in the field of writing miracles from chapters twenty-one to twenty-six of this book. The differences between these themes are very small and are mainly related to the location of those phenomena or the name of the amazing phenomena.

Keywords: Ajayeb nameh, Tabari, Hamedani, Persian Prose of the Fourth and Fifth Centuries, Common Topics

^۱ Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran
(p.abiyazi@pnu.ac.ir)

^۲ Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran
(a_mohammadi56@pnu.ac.ir)

مقدمه

نگاهی به عجایب نویسی

عجایب نویسی تلاشی است برای تبیین جهان. نویسنده از شنیده‌ها و دیده‌ها و خوانده‌های خویش مدد میگیرد و بعضاً با بهره‌گیری از خیالپردازی داستانهای نیمه‌کاره‌اش را تکمیل میکند.

فاطمه مهری در مقاله خود با عنوان «جایگاه متون عجایب‌نامه‌ای در نظام دانشهای-کهن» معتقد است برجسته‌سازی وجوه ارزشمند زبانی موجود در عجایب‌نامه‌ها نباید موجب غفلت از اشارات و مفاهیمی شود که در شناخت این متنها بکار میاید و ماهیت آنها را روشن میسازد و باعث میشود این متون از نظر محتوا، خرافه‌آمیز و فاقد ارزش علمی به شمار آیند. (جایگاه متون عجایب‌نامه‌ای در نظام دانشهای کهن، مهری، فاطمه رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ص: ۱)

وجود برخی از مطالب مربوط به توصیف عجایب و شگفتیهای عالم در کتبی که به صورت تخصصی در حوزه جغرافیا و سایر علوم نوشته شده‌اند، نکته‌ای قابل تامل و درخور دقت است. به عنوان نمونه در کتاب «الفهرست» ابن ندیم، تالیف شده در قرن چهارم که به منزله دایره‌المعارفی جامع در ده مقاله تدوین شده است، توصیف برخی شگفتیهای موجود در مناطق مختلف گیتی و معرفی برخی عجایب‌نامه‌نویسان و کتب معروف این فن به چشم میخورد. (ر.ک: الفهرست ابن ندیم، ترجمه محمدرضا تجدد، ص: ۵۴۶ و ۶۳۲).

نیز در کتاب معروف «مروج الذهب» که توسط مورخ و جغرافیدان مشهور قرن چهارم علی بن حسین مسعودی نگاشته شده، به کرات از عجایب مختلف یاد شده است. (ر.ک: مروج-الذهب مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، صص: ۵۱۴، ۵۱۰، ۴۲۴، ۳۷۱، ۳۴۶، ۱۹۶، ۱۶۹، ۱۵۳، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۰۶)

همچنین در کتاب مشهور «المسالك والممالك» ابواسحاق ابراهیم اصطخری، که در قرن چهارم در حوزه جغرافیا به زبان عربی و بر مبنای کتاب «صور الاقالیم» ابوزید سهل بلخی، نگاشته شده در ضمن توصیف ویژگیهای بلاد مختلف بعضاً به شگفتیها و عجایب موجود در آنها نیز اشاره شده است. (ر.ک: مسالك و ممالك اصطخری، به اهتمام ایرج افشار).

با عنایت به مطالب فوق، محققانی چون علینقی منزوی، عجایب نویسی را در ردیف جغرافیا قرار میدهند. (ع. منزوی، ۱۳۳۲، صص: ۶۲۱ و ۶۲۲؛ به نقل از: عجایب‌نامه همدانی، همان، ص: هفده)

اما در کتب عجایب، گستره مطالب از حدود جغرافیا درمیگذرد. این قبیل نوشته‌ها فقط یک فرهنگ جغرافیای خشک و خالی نیستند، بلکه مجموعه‌ای هستند از یافته‌ها معلومات نویسندگان.

عجایب‌نامه نویسی علاوه بر جغرافیا، پیوند محکمی با کتابهای حیوان‌شناسی نیز دارد. کتاب قطور «الحیوان» از ابوعثمان عمرو بن بحر الجاحظ در زبان عربی از مهمترین منابع عجایب‌نامه‌نویسان ایرانی است. (عجایب‌نامه همدانی، همان، ص: هژده)

فاطمه‌مهری در مورد ویژگیهای محتوایی مشترک در عجایب‌نامه‌ها که میتواند آنها را به عنوان یک نوع کلی در کنارهم بنشانند چنین مینویسد: مفهوم کانونی همه این متنها طبیعت و نموده‌های گوناگون آن چون آسمان و زمین، خشکیها و دریاها، کوهها و رودها، صخره‌ها و سنگهاست. در این متنها از حیوانات غول پیکر دریایی، پرندگان عظیم‌الجثه، مردمان و جانوران جزایر، بناهای شگفت‌انگیز، حیوانات، گیاهان، سنگها و خواص و منافع آنها و علوم غریبه اطلاعاتی درج شده‌است.

از دیگر ویژگیهای متون عجایب‌نامه‌ای «علم خواص» یا برشمردن خواص و منافع اعیان طبیعی چون حیوانات، گیاهان، سنگها و ...؛ و نیز ارجاع به متون مکتوب پیش از خوداست و بالاخره آنجا که نویسندگان این متنها، به جای استفاده از منابع مکتوب، به نقل شنیده‌های خود پرداخته‌اند، به اصول نقل شفاهی نیز پایبند بوده‌اند و نام راویان خود را ذکر کرده‌اند. (عجایب‌نامه‌ها و متون عجایب‌نامه‌ای: معرفی ساختاری متنها، زمردی، حمیرا، مهری، فاطمه، صص: ۳۴۱، ۳۵۱ و ۳۵۲)

ذکر عجایب و غرایب در کتابها سابقه قدیمی دارد و اختصاصی هم به کتابهای فارسی و عربی ندارد.

- اولین کتاب در طلسمات و عجایب را گفته‌اند بلیناس حکیم جلیس اسکندر با عنوان «تاریخ طبیعی» نوشت و کتاب او الگوی عجایب‌نویسان عالم شد. (عجایب‌نامه همدانی، همان، ص: شانزده)

- یکی از کهنترین کتابهای فارسی در عجایب عالم نوشته ابوالموید بلخی^۱ است. کتاب او را «عجایب البلدان، عجایب الاشياء»، «عجایب الدنيا» و «عجایب بروجر» نیز نامیده‌اند. اصل این کتاب از میان رفته‌است.

- کتاب دیگری که پیش از کتاب ابوالموید بلخی نوشته شده و متن فارسی آن موجود نیست و بیشتر صبغه جغرافیایی دارد، کتاب الصحيح من اخبار البحار و عجائبها اثر ابو عمران موسی

۱- آقای مهدی دهرامی در مقاله خود با عنوان «رد انتساب عجایب الدنيا به ابوالموید بلخی» بر حسب مقایسه این اثر و عجایب مندرج در گرشاسب‌نامه اسدی طوسی «این انتساب را رد کرده‌اند و آن را از ابن محدث تبریزی دانسته‌اند که در قرن هفتم چندین پدیده شگفت را از کتاب گرشاسب ابوالموید و از بشر مقسم اخذ کرده و کتاب عجایب الدنيای موجود را تالیف کرده‌است. (دهرامی، مجله متن‌شناسی ادب فارسی، ۱۳۹۸)

ابن ریح اوسی سیرافی (زنده تا ۳۷۷ ق) است.^۱

- کتاب عجایب دیگر از میان متون دانشنامه‌ای و در واقع اولین کتاب عجایب‌نامه‌ای که به دست ما رسیده «تحفه الغرایب» نوشته محمد بن ایوب الحاسب طبری ریاضیدان معروف قرن پنجم هجری است. به این ترتیب سنت عجایب‌نامه‌نویسی از قرن پنجم در ایران رواج یافت. در مورد برخی دیگر از مهمترین آثار در زمینه عجایب‌نامه نویسی میتوان از این آثار نام برد: «نزهت‌نامه علائی» از شهردان ابن ابی‌الخیر (تالیف شده بین سال‌های ۴۹۰ تا ۴۹۵ ق)؛ «فرخ‌نامه» اثر ابوبکر مطهر جمالی یزدی (تالیف شده به سال ۵۸۰)؛ «تحفه الالباب و نخبه الاعجاب از ابو حامد اندلسی غرناطی (حدود سال ۵۵۸ هجری)؛ «عجایب المخلوقات» اثر نجیب-همدانی (حدود سال ۵۶۰ هجری)؛ عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات از محمد بن محمود-بن احمد طوسی (همدانی) (تالیف بین سالهای ۵۵۶ تا ۵۷۳)؛ «نوادر التبادر لتحفه البهادر» (نگاشته شده به سال ۶۶۹ ق)؛ کتاب مهم دیگر «نخبه الدهرفی عجایب البر والبحر» تالیف علامه شمس‌الدین ابی‌عبدالله محمد بن ابی‌طالب الانصاری الصوفی دمشقی معروف به شیخ ربوه؛^۲ (متوفی به سال ۷۲۷ هجری) اما معروفترین کتاب عجایب، «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات» از زکریا بن محمد بن محمود مکونی قزوینی معروف به زکریای قزوینی (در گذشته در ۶۸۲ ق) است.

و کتاب دیگر «نگارستان عجایب و غرایب» تالیف پیشاوری (بین سالهای ۱۱۳۱ تا ۱۱۶۵) است. این کتاب شاید آخرین عجایب‌نامه‌ای باشد که به سبک و سیاق قدما به رشته تحریر درآمده است. (بحثی پیرامون عجایب‌نامه‌ها و نظایر آن، سلطانی، ص: ۱۳۸)

شیوه پژوهش (روش کار)

شیوه کار در این مقاله بدینگونه است که نخست ضمن بیان مختصری از سیر عجایب‌نامه نویسی در ایران و برشمردن مهمترین متون مربوط به این فن، تحفه الغرائب طبری و عجایب نامه همدانی به اختصار معرفی شده و مهمترین ویژگیهای سبکی آنها بیان شده است. مشابهت های املائی و زبانی و سبکی درخور توجهی بین این دو کتاب وجود داشت که جداگانه بیان

۱- به گفته خانم مهری این اثر تا مدتی پیش با نام عجایب‌الهند از دریانوردی ایرانی به نام ناخدا بزرگ‌بن-شهریار رامهرمزی دانسته میشد. اما با پیدا شدن نسخه‌ای از این اثر که کاملتر بود، و با تحقیقات مفصل یوسف‌الهادی، نام آن الصحیح من اخبار البحار و عجائبها و مولف آن ابو عمران موسی بن ریح اوسی سیرافی عنوان شد. (ر.ک: مهری، جایگاه متون عجایب‌نامه‌ای در نظام دانشهای کهن، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ص: ۴)

۲- این کتاب توسط سیدحمید طبیبیان ترجمه شده: نخبه الدهرفی عجایب البر والبحر، ترجمه سیدحمید-طبیبیان، فرهنگستان ادب و هنر ایران، تهران، ۱۳۵۷.

شده‌اند. سپس مضامین مشترک موجود در هر دو اثر در حوزه سبک و محتوا، با ذکر اختلافات بین دو مضمون به تفصیل مورد بحث واقع شده‌است.

پیشینه تحقیق

پژوهش در زمینه عجایب‌نامه‌ها و متون عجایب‌نامه‌ای سابقه طولانی در ادب فارسی ندارد و در حدود چند سال اخیر، برخی محققین و پژوهشگران به تحقیق در این زمینه پرداخته و مقالاتی در این خصوص ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها در این مقاله اشاره شده‌است. اما در زمینه تحقیق حاضر و بررسی مضامین مشترک بین این دو کتاب و همچنین بررسی مضامین و مباحث مشترکی که در عجایب‌نامه‌های مختلف آمده و مقایسه وجوه اشتراک و اختلاف بین مضامین آنها، تا جایی که نگارندگان این مقال جستجو کرده‌اند، تاکنون تحقیقی صورت نگرفته‌است.

ضرورت تحقیق

بر اساس آنچه گفته شد جای خالی تحقیق در متون عجایب‌نامه‌ای و بررسی مضامین و مباحث مشترکی که در عجایب‌نامه‌های مختلف آمده مشهود است. بخصوص بر اساس بحث مستوفی آقای متینی در مقدمه تحفه‌الغرائب که اشاره کرده‌اند نویسندگان بسیاری در کتب عجایب‌نامه‌ای خود از تحفه‌الغرائب به انحاء مختلف از جمله: تقسیم بندی، اقتباس مضامین، نقل مطالب و... با ذکر یا بی‌ذکر نام طبری بهره‌جسته‌اند. لذا تحقیق حاضر میتواند مقدمه‌ای برای پژوهشهای آتی در این زمینه قلمداد گردد.

بحث

معرفی اجمالی تحفه‌الغرائب طبری و عجایب‌نامه‌همدانی

الف) تحفه‌الغرائب

در مورد این کتاب و مولف آن و سبک نگارش کتاب و نیز اهمیت و قدمت آن، در مقدمه‌ای که آقای متینی بر این کتاب نوشته‌اند بطور کامل و مستوفی بحث نموده‌اند، لذا در این قسمت فقط به ارائه مختصری بسنده میشود: تحفه‌الغرائب جزو کتب دانشنامه‌ای اثر محمد بن ایوب الحاسب الطبری، ریاضیدان نامدار ایرانی در قرن پنجم هجری است. این کتاب که به گفته مصحح (جلال متینی) باید قسمتی از اصل کتاب باشد نه همه آن، مشتمل بر سی و چهار باب در عجایب هر صنف و دسته است. مطالب آن را در چند دسته کلی میتوان تقسیم کرد: ۱- خاصیت چیزهای مختلف از قبیل آواز و بو و مزه و دیدار چیزها؛ ۲- شعبده و طرح بازی‌های معماگونه و سرگرم کننده. ۳- عجایب دنیا، عجایب البحر، عجایب النهر، عجایب البر،

عجایب الجبل و عجایب البلد که در هر بخش به توصیف حیوانات، رودها، کوهها و سرزمینهای مختلف و عجایب آنها پرداخته است.

برخی از ویژگیهای عمده نشر کتاب در کمال اختصار عبارتند از:

۱- ویژگیهای املائی:

- آوردن صورت مخفف برخی کلمات مانند: «ناید، فگن، دهن، چار، دگر» به جای «ناید، افگن، دهان، چهار، دیگر»

- زیادت درحرفی در برخی کلمات: «استون، اشتر، پول، سریشتن، نویشتن» به جای: «ستون، شتر، پل، سرشتن، نوشتن»

- ابدال در برخی کلمات: «باشگونه، پیروزه، پیل، تود، نبشتن» به جای «باژگونه، فیروزه، فیل، توت، نوشتن»

- بکاربردن کلمات گوناگون هم معنی و افزودن به غنای فرهنگ لغات: «آغاریدن و آغالیدن، بنجشک و گنجشک، پرستک و پرستو، پلیته و فتیله، تگرگ و ژاله و سگنجه، شب یاره و شپرک، مرجو و عدس، میزیدن و گمیز کردن و...»

۲- ویژگیهای دستوری:

- جمع بستن کلمات جمع عربی با «ان» و «ها»: رهبانان، عجایبها، کتبها

- آوردن ضمیر شخصی «او، وی، ایشان» برای جانوران و غیرذیروح: «به هندوستان شهری- است که او را آرام گویند.» (ص: ۲۳۳)

- مطابقت صفت و موصوف در افراد و جمع و تانیث: «زاهدان آتش پرستان (ص: ۲۲۰)، زن عقیقه (ص: ۱۸۹)

- فاصله شدن بین موصوف و صفت: «کشفی بری بیارند عظیم» (ص: ۱۱۵)

- آوردن بای تاکید بر سر افعال: بنریزند، بمی شکنیم.

- فاصله افتادن بین فعل و جزء منفی ساز آن: «نه آواز آن شنوده» (ص: ۲۲۶)

- آوردن فعل جمع برای لفظ «هر» «هر بیماری که گوشت ایشان بخورند بهتر شوند» (ص: ۲۰۲)

- آوردن فعل مفرد برای فاعل ذیروح جمع: «این روباهان بانگ کند» (ص: ۲۰۲) و یا برعکس فعل جمع برای فاعل مفرد ذیروح: «ملخ بگریزند» (ص: ۱۳۴)

- آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم: به سایه اندر، درطبرستان در

- بکار بردن «به» در معنی «با»: «ایشان نان به هم خوردند» (ص: ۱۹۷) و نیز «با» در معنی «به»: «اگر خود با درخت زند» (ص: ۲۰۳)

قدمت تحفه‌الغرائب

در مورد قدمت تحفه‌الغرایب، به استثنای تحریر اصلی کتاب «عجایب‌برو بحر» یا «عجایب-البلدان» ابوالموید بلخی^۱ که مفقود و فقط قطعاتی از آن در تاریخ سیستان آمده‌است. و کتاب «الصحيح من اخبار البحار وعجائبها» اثر ابو عمران موسی ابن ریاح اوسی سیرافی (زنده تا ۳۷۷ ق) که پیش از کتاب ابوالموید بلخی نوشته شده ظاهراً تحفه‌الغرائب قدیمی‌ترین کتابی است که در زمینه شگفتیهای دنیا به زبان فارسی یا عربی به رشته تحریر درآمده‌است. فضل تقدم این اثر باعث شده مولفان معروفی آن را منبعی برای آثار خود قرار دهند مولفانی چون: ۱- زکریا بن محمد بن محمود قزوینی در کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات ۲- علامه شمس‌الدین - محمد صوفی دمشقی معروف به شیخ ربوه در کتاب نخبه‌الدهر فی عجایب البر والبحر ۳- حمدالله مستوفی در کتاب نزهة القلوب ۴- شهرمدان ابن ابی‌الخیر در کتاب نزهت‌نامه علائی ۵- شمس‌الدین محمد ابن امین‌الدین ایوب دنیسری در کتاب نوادر التبادر لتحفه‌البهادر. در برخی کتابها هم با آن که مضمون این کتابها از جهتی به کتاب تحفه‌الغرائب شبیه است، نامی از تحفه‌الغرائب و محمد ابن ایوب طبری دیده نمیشود از جمله: ۱- یواقیت العلوم و دراری - النجوم ۲- عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات تالیف محمد بن محمود بن احمد طوسی (همدانی) ۳- خوابگزاری از نویسنده و مترجمی نامعلوم ۴- نفائس الفنون فی عرایس العیون تالیف شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (تحفه‌الغرائب، متینی، صص: ۳-۴۰)

ب) عجایب‌نامه [عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات]

این کتاب اولین بار در ۱۳۴۵ ش به اهتمام منوچهر ستوده به چاپ رسید. در ۱۳۷۵ ش آقای جعفر مدرس صادقی ویرایشی از این اثر بعمل آورد که بر مبنای نسخه مصحح منوچهر ستوده نبود، و آن را «عجایب‌نامه» نام نهاد و مولف آن را محمد بن محمود همدانی نوشت. از آنجا که عنوان، ساختار و فصل‌بندی اثر بطور کلی تغییر یافته و برخی مطالب آن حذف شده بود و نیز بدلیل عدم اشاره مدرس صادقی به چاپ این کتاب به اهتمام دکتر منوچهر ستوده، گاه به اشتباه آن را اثری متفاوت با عجایب المخلوقات طوسی دانسته‌اند. این کتاب بین سالهای ۵۵۶ تا ۵۷۳ ق تالیف شده و مولف در مقدمه کتابش آن را به نامهای «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات»، «عجایب‌نامه» و «جام گیتی‌نمای» نامیده‌است. در اغلب نسخه‌های چاپی قبلی، متن کتاب پس از پیشگفتار نویسنده به ده رکن تقسیم شده‌است؛ اما در ویرایش جدید متن از جعفر مدرس صادقی که به دلیل متاخر بودن این ویرایش ملاک تحقیق حاضر نیز میباشد، پیشگفتار نویسنده و ارکان ده‌گانه کتاب به ۶۶

۱- پیشتر نیز اشاره شد که آقای دهرامی در مقاله خود به رد انتساب این اثر به ابوالموید بلخی پرداخته و آن را از ابن‌محدث تبریزی دانسته‌است.

فصل مستقل تبدیل شده و عبارات عربی و اشعار و نقشه‌هایی که در خلال متن آمده بودند نیز حذف شده‌اند.

در تقسیم‌بندی‌ای که آقای حری از عجایب‌نامه‌ها به عمل آورده و عجایب‌نامه‌ها را به سه دسته غیر روایی که (جنبه گزارشی و توصیف صرف دارند و وجوه داستانی و روایتی در آنها غالب نیست)؛ روایی که (امور شگفت را در قالب گزارشی داستانی ارائه می‌دهند) و ترکیبی از روایی و غیرروایی تقسیم کرده‌اند، عجایب‌نامه طوسی (همدانی) را در دسته سوم (ترکیبی از روایی و غیرروایی) قرار داده‌اند که در آن نویسنده ضمن گزارش توصیفی از اعیان طبیعت، آن را با برخی حکایات و روایت پردازیه‌های خیالی و عجیب نیز همراه می‌کند. (عجایب‌نامه‌ها به منزله ادبیات و همناک، ابوالفضل حری، فصلنامه نقد ادبی، صص: ۱۴۲ و ۱۴۳)

این کتاب را همچون عجایب‌المخلوقات قزوینی میتوان دایره‌المعارفی دانست از علوم پزشکی، جغرافیا، نجوم، گیاه‌شناسی، جانورشناسی و جامعه‌شناسی که نویسنده ضمن پرداختن به هر مقوله و ارائه گزارش توصیفی از اعیان طبیعت، عجایب مربوط به آن مقوله را همراه با حکایات و روایت پردازیه‌های خیالی ذکر کرده‌است.

به اعتقاد مدرس‌صادقی، کتاب همدانی چه از نظر تنوع مطالب و چه از نظر محتوا حتی از کتاب قزوینی نیز غنیتر و جامع‌تر است. اما شهرت بیش از حد کتاب عجایب‌المخلوقات قزوینی سبب شده کتاب همدانی را بکلی از یاد ببرند. بطوریکه نه در کتاب «تاریخ ادبیات در ایران» از ذبیح‌الله صفا و نه در کتاب «تاریخ ادبی ایران» از ادوارد براون و نه در «تاریخ نظم و نثر» سعیدنقیسی و نه در ترجمه فارسی «تاریخ ادبیات ایران» یان‌ریپکا از عیسی شهبابی، اسمی از کتاب همدانی نیست. (عجایب‌نامه همدانی، مدرس‌صادقی، صص: نوزده و سی و چهار) نثر همدانی مثل نثر بسیاری از معاصرانش همان نثر ساده و بی‌تکلف قرن چهارم و پنجم هجری است. در عین حال برخی ویژگیهای املائی و دستوری خاصی نیز در کتاب دیده میشود که در بسیاری از موارد به نثر دو قرن قبل از خود نیز شباهت دارد از آنجمله:

۱- ویژگیهای املائی :

- ابدال در برخی کلمات مانند: «بلغ، دشوار، بیران، گرماوه، سولاخ، پنگان، انجیل، لغام، دباوند، پادیز، بندق» به جای: «برگ، دشوار، ویران، گرمابه، سوراخ، فنجان، انجیر، لگام، دماوند، پاییز، فندق»

- آوردن صورت مخفف برخی کلمات مانند: «بتر، بترین، گیا» به جای: «بدتر، بدترین، گیاه»
- آوردن یک حرف اضافه در برخی کلمات مانند: «فرشته، زیوزه، دیه، پول، شناو» به جای «فرشته، زوزه، ده، پل، شنا»

- آوردن: «تیرست، سامان، خوشیدن، رستاق» در معنی «سیصد، جانب، خشکیدن، روستا»
۲- ویژگیهای دستوری:

- جمع بستن جمع مکسر عربی با «ها» و «ان»: حبوب‌ها، اشکال‌ها، قصص‌ها، سموم‌ها
- جمع بستن صفت به تبعیت از موصوف: زیرکان هندوان، آلات‌های عجایب
- آوردن یای استمراری در پایان فعلها: در افکندندی، برکشیدندی
- استعمال «را» ی زاید «ملک سیستان را آرزو کرد که سیمرغ را ببیند» (ص: ۲۸۸)
- آوردن ضمیر شخصی «او» و «وی» برای غیرذی‌روح: «دارا بگرد شهری است... وی را خندقی است.» (ص: ۴۴۲)
- آوردن بای تاکید بر سر افعال: بنگردد، بنساخت، بنماند
- آوردن یک فعل در جمله به صورت ماضی استمراری و فعل دیگر به صورت ماضی ساده: «یک سال نمرود هیزم جمع می‌کرد و آتش در آن زد.» (ص: ۲۴۰)

مضامین مشترک در عجایب‌نامه همدانی و تحفه‌الغرائب طبری

چنانکه اشاره شد، به خاطر قدمت و اهمیت کتاب تحفه‌الغرائب، بسیاری از عجایب‌نویسان آن را منبع و ماخذ کار خود قرار داده‌اند. برخی با ذکر نام طبری و برخی بدون ذکر نام طبری. برخی نیز با آنکه مضمون کتابشان از جهتی به تحفه‌الغرائب شبیه است اما باز هم نامی از این کتاب و نویسنده آن در آثار آنها دیده نمی‌شود. از جمله این کتابها یکی هم کتاب عجایب‌نامه [عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات] محمودهمدانی است. در این قسمت به بیان مهمترین مضامین مشترک بین این دو کتاب و تفاوتهایی که گاه در میان برخی از این مضامین مشترک دیده میشود پرداخته خواهد شد. با این توضیح که با توجه به کثرت مضامین مشترک بین دو کتاب و اینکه ارائه کامل مصادیق هر دو کتاب باعث اطاله کلام میشود و از حوصله مقاله نیز خارج بود شاهد مثال (یا مضمون مشترک) از کتاب عجایب‌نامه به طور خلاصه ارائه شد تا خواننده با چگونگی و کم و کیف مضمون عجیب آگاهی یابد. ولی از ذکر آن مضمون از کتاب تحفه‌الغرائب، به خاطر شبیه بودن مضمونها، خودداری گردید و اگر تفاوتی بین دو مضمون وجود داشت به آن تفاوتها اشاره شد همچنین در هر مبحث چندین مضمون مشترک بین دو کتاب وجود داشت که تنها به ذکر یک یا دو نمونه بسنده گردید:

۱- **عجایب آفتاب:** همدانی در مبحث «عجایب آفتاب» که مثل تمامی مباحث دیگر ابتدا در آن به ارائه گزارش توصیفی از آفتاب پرداخته و سپس به بیان شگفتیه‌های مربوط به آن پرداخته، از مجموع هفت شگفتی که برای آفتاب بیان کرده مضمون دو شگفتی شبیه به آن چیزی است که طبری نیز در کتاب خود بیان کرده که بعنوان نمونه به ذکر یکی از این مضامین می‌پردازیم:

«در هندوستان، درختی ست آن را «کرکیس» خوانند و میوه‌ای چون انگور آرد: آن میوه که از جانب مغرب بود در سایه، تلخ بود، سمی قاتل، و آن که از سامان مشرق بود حلو بود و نافع.» (عجایب‌نامه همدانی، ۱۳۹۰، ص: ۲۹)

«دیگر به هندوستان درختی است که او را عواکس خوانند و آن درخت چون درخت انگور بود...» (تحفه‌الغرائب طبری، ۱۳۹۱، ص: ۲۲۰)

اختلاف در نام درختهاست که در عجایب‌المخلوقات «کرکیس» و در تحفه‌الغرائب «عواکس» خوانده شده‌است.

مضمون مشترک دیگر در این مبحث در صفحه ۲۹ عجایب‌نامه همدانی و صفحه ۲۲۴ تحفه الغرائب طبری آمده‌است.

۲- عجایب آتش: در مبحث «صفت آتش پرستان»، همدانی پس از توصیف انواع آتشیهای مورد پرستش، توصیف آتشی عجیب را آورده که شبیه این مضمون در تحفه‌الغرائب هم دیده میشود:

«نار الحرتین. آتشی بود در بلاد عنس. به شب افروختی، به روز دود نمودی و از چند فرسنگ دیدار بودی.» (همدانی: ۴۷)

«دیگر از آن سوی جزیره سلاط، یکی کوه است سخت بلند. و از آن جا آتشی بیند چنان که...» (طبری: ۲۲۷)

اسم آتش در عجایب‌نامه «نار الحرتین» آمده ولی در تحفه‌الغرائب این نام ذکر نشده همچنین مکان این آتش که در عجایب‌نامه «بلاد عنس» و در تحفه‌الغرائب «جزیره سلاط» گفته شده - است.

در تحفه‌الغرائب در صفحه ۲۲۴ باز هم توصیف این آتش آمده‌است.

۳- عجایب چاه: در مبحث «عجایب چاه‌ها» صفت دو چاه شگفت یکی در بامیان (همدانی: ۶۰، طبری: ۲۱۵) و دیگری در دامغان آمده که شبیه آن در تحفه‌الغرائب در باب عجایب‌النهر هم ذکر شده با این تفاوت که همدانی این شگفتیها را به چاه نسبت داده ولی طبری هر دو شگفتی را به چشمه نسبت داده‌است:

«به حدود دامغان چاهی ست هر که از آن آب خورد، اسهال کند. و اگر آن آب را جایی برزد، خون گردد. اگر دورتر برزد، آن خون سنگ گردد. و...» (همدانی: ۵۹)

«دیگر به حد دامغان چشمه ای است که آن را باد خانی خوانند. هر که آن بخورد شکمش برآید و...» (طبری: ۲۱۲)

۴- عجایب بقاع: در مبحث «خواص آدمی» بعد از بیان خاصیت‌های مختلف آدمی؛ در آخر مبحث، در بیان عجایب و خواص بقاع غریب، از کوهی سخن گفته که در گل آن همیشه صورت آدمی مصور است:

«گویند از آن سوی مکران کوهی ست آن را «جبل پلنگان» خوانند، در گل وی همیشه صورت آدمی بود... و اگر آن گل را جمع کنند و به آب بگذارند اندک و بشکافند، در اندرون وی صورتی بینند.» (همدانی: ۹۲)

در تحفه الغرائب نیز شبیه این مضمون آمده با این تفاوت که اسم کوه در عجایب‌نامه «جبل پلنگان» خوانده شده ولی در تحفه الغرائب این اسم نیامده:

«در کرمان کوهی است...» (طبری: ۲۲۳)

۵- عجایب صورت: در مبحث «عجایب صورت»، پس از ذکر صورتهای و تمثالهای مختلف، در آخر مبحث به توصیف صورتهایی پرداخته که به طلسم ساخته شده‌اند، و در آن توصیف شش صورت طلسمی را آورده که در تحفه الغرائب نیز شبیه این صورتهای طلسمی دیده میشود این صورتهای عبارتند از: صورتی در هندوستان که بر پهلوی افتاده و چون راست شود دلیل فراخی بود (همدانی: ۱۷۵، طبری: ۲۳۳)؛ بتی بر مثال زنی با دو پستان بزرگ (همدانی: ۱۷۷، طبری: ۲۳۳)؛ صورت کنیزکی گریان که غربا را به آن امتحان کنند (همدانی: ۱۷۷، طبری: ۲۳۷)؛ صورت بطی در کلبا (همدانی: ۷۹، طبری: ۲۳۲)؛ صورت دو شیر بر کوهی در هندوستان (همدانی: ۱۸۰، طبری: ۲۲۵) و صورتی سنگین که به عنوان نمونه ارائه میشود:

«به قرمیسین چشمه‌ای بود، بر آن صورتی سنگین. هر که آن را بیفکند آب باز است. چون به پا راست بگیرد، آب روان شود.» (همدانی: ۱۷۷)

«دیگر در کرمانشاهان چشمه‌ای است و...» (طبری: ۲۳۶)

۶- عجایب جن: در مبحث «عجایب جن»، به بیان برخی حکایتها و روایتهای عجیب در مورد جنیان پرداخته از آنجمله از جنیان آبی در بحیره‌ای سخن گفته که نیمه بالای آنها چون آدمی - است و نیمه پایین چون حیوان:

«به حدود جالهندر، بحیره‌ای ست در آن جنیانند آبی. شب بر ساحل آیند و رقص کنند. زنانی همه بالا تا ناف به آدمی ماندند و نیمه دیگر به حیوان و مردم به نظاره آیند به شب، در ماه تاب و دور بنشینند و نظاره کنند.» (همدانی: ۲۰۹)

شبیه این مضمون در تحفه الغرائب هم آمده اما با تفصیل و توضیحات بیشتر در خصوص این جنیان و اینکه اگر یکی از آنها در آب بمیرد، به شب جنیان او را از آب بیرون می‌آورند و بر لب

^۱ - لازم به ذکر است مکران از نظر تاریخی سرزمینی ساحلی در جنوب شرقی ایران و جنوب غربی پاکستان است (www.naftema.com) که بر این اساس میتوان گفت کرمان جزئی از ناحیه بزرگ مکران محسوب میشود.

^۲ - قابل ذکر است کرمانشاه در صدر اسلام به گونه‌های مختلف از جمله: «قرمیسین، قرامسین و...» نوشته شده است (<https://razi.ac.ir>)

بحیره میگذارند و تا مردم او را در گور نکنند تا ده سال دیگر هم هیچ یک از آن جنیان از آب بیرون نمی‌آیند:

«دیگر به هند دریایی هست کوچک و او را بحیره خوانند، اندر آن جانوران آبی اند که...» (طبری: ۲۰۸)

۷- عجایب نسناس: همدانی در ابتدای مبحث «عجایب نسناس» در توصیف نسناس چنین آورده:

«به حدود بلور، نسناس بود وحشی. اگر شخصی یکی را بکشد، از آن قبیله وی ده را باز کشند. و اگر دیهی بود، خراب کنند و آنجا نه‌ری است عظیم. اگر نسناسی در آن افتد ماده‌اش آنجا نوحه کند روزگاری. و بر تن ایشان موی باشد بسیار و دندان گیرند.» (همدانی: ۲۲۱)

در تحفه‌الغرائب هم مضمونی شبیه به مطلب فوق، در توصیف نسناس، آمده ولی با تفصیل و ذکر جزئیات بیشتر:

«دیگر به حد بلور اندر مردمان اند وحشی که ایشان را نسناس خوانند. ...» (طبری: ۲۰۱)

۸- عجایب چهارپا: در مبحث «عجایب چهارپا» که به طور کلی از این مبحث به بعد در تمامی مباحث مطالب به ترتیب الفبایی ارائه و توصیف شده‌اند؛ ضمن توصیف انواع حیوانات به ترتیب الفبایی، آنچه در مورد شگفتیهای حیواناتی چون: شیر (همدانی: ۲۵۷، طبری: ۲۰۳)؛ کرگدن (همدانی: ۲۶۴، طبری: ۲۰۰ و ۲۰۱)؛ گاو آبی (همدانی: ۲۶۹، طبری: ۲۰۶) و پدید آمدن موش از آب و گل (همدانی: ۲۷۵، طبری: ۲۱۲) و ارس آمده، در تحفه‌الغرائب هم شبیه این مضامین در مورد این حیوانات دیده میشود. به عنوان نمونه:

«ارس جانوری ست در بیشه. یک سرو دارد و چهار سولاخ در وی. باد در وی آید، آوازی خوش کند، جانوران بر وی جمع شوند.» (همدانی: ۲۳۴)

«دیگر جانوری هست مانند آهو که او را ارس خوانند. و بر سر یک سرو دارد و چهل و دو سوراخ اندر او باشد ...» (طبری: ۱۲۳ و ۱۲۴)

تفاوت بین دو مضمون در تعداد سوراخهای سرو حیوان است که در عجایب‌نامه چهار سوراخ و در تحفه‌الغرائب چهل و دو سوراخ آمده است.

۹- عجایب مرغان: در مبحث «عجایب مرغان» ضمن توصیف انواع مرغان به ترتیب الفبایی آنچه در مورد مرغانی چون: ابوهارون (همدانی: ۲۷۸، طبری: ۲۰۴)؛ دلیل البحر (همدانی: ۲۸۵، طبری: ۲۰۶)؛ سمندر (همدانی: ۲۸۶، طبری: ۱۹۹)؛ مرغی عجیب در هندوستان (همدانی: ۳۰۲، طبری: ۲۳۳) و ققنوس گفته شده در تحفه‌الغرائب نیز آمده‌است که به ذکر ققنوس بسنده میشود:

ققنوس: در مورد این پرنده آنچه در عجایب‌نامه آمده اندکی با آنچه در تحفه‌الغرائب آمده متفاوت است از جمله: ۱- در عجایب‌نامه موضع این مرغ، ترکستان و در تحفه‌الغرائب

هندوستان آمده‌است. ۲- در عجایب‌نامه این مرغ از ترکستان به هندوستان می‌رود و از آنجا دارچینی جمع می‌کند ولی در تحفه‌الغرائب همزم جمع می‌کند. ۳- در عجایب‌نامه با باریدن باران برخاکستر این مرغ، کرمی پدید می‌آید و ققنوس می‌گردد ولی در تحفه‌الغرائب از خاکستر مرغ بیضه‌ای پیدا می‌شود و تبدیل به ققنوس می‌گردد. ۴- در عجایب‌نامه عمر این پرنده پانصد سال و در تحفه‌الغرائب هزار سال ذکر شده. ۵- در تحفه‌الغرائب این مرغ با هزار سوراخ در منقار و آوازی خوش توصیف شده درحالی‌که در عجایب‌نامه چنین توصیفی نیامده‌است:

«از جمله مرغان ققنوس است به ترکستان بود. این مرغ به هندوستان رود و دارچینی آورد... و این مرغ نر است و ماده ندارد. چون آفریدگار خواهد که وی را بچه بود، دارچینی جمع کند و بالها می‌زند به نیرو، تا آتشی از زیر بال وی بدرفتد. پس باران ببارد بر آن خاکستر، کرمی چند پدید آید و بزرگ می‌شود و پرها بر آورد، ققنوس گردد و بر سر آن درخت نشیند. عمر وی پانصد سال بود.» (همدانی: ۲۹۴)

«در هندوستان مرغی است که او را ققنس خوانند و...» (طبری: ۲۰۰)

۱۰- **عجایب ماهی:** در مبحث «عجایب ماهی و لاک‌پشت و وزغ» توصیفی از انواع ماهیها به ترتیب الفبایی ذکر کرده که آنچه در توصیف ماهی «رعاد» و «تهنگ» (همدانی: ۳۰۷، طبری: ۲۱۲) گفته شده در تحفه‌الغرائب هم آمده که بعنوان نمونه به ذکر ماهی «رعاد» می‌پردازیم:

رعاد: «ماهی‌ای ست در نیل مصر. هر که دست به وی کند، دست وی مفلوج کند. اگر در دام افتد، دست صیاد بلرزد. اگر چوبی بر وی زنند، دست لرزیدن گیرد...» (همدانی: ۳۰۶)

«دیگر ماهیی است در رود نیل مصر که آن ماهی را رعاد گویند چون به دست گیرند، دست آن کس سست گردد... از سردی مزاج آن ماهی.» (طبری: ۱۰۸)

اختلاف بین دو مضمون در ذکر دلیل سست شدن دست بخاطر سردی مزاج این ماهی در تحفه‌الغرائب است که در عجایب‌نامه ذکر نشده‌است.

۱۱- **عجایب ملخ:** همدانی در مبحث «عجایب زنبور و عنکبوت و مگس و مورچه» از دو نوع ملخ شگفت یکی «جراد فرعونی» و دیگری ملخی که بر آواز آن خمر می‌خورند (همدانی: ۳۲۲، طبری: ۲۳۸) سخن گفته که در تحفه‌الغرائب نیز این مضمونها درباره این ملخهای عجیب دیده می‌شود. بعنوان نمونه:

جراد فرعون: «در مفاز مصر، ملخی بود «جراد فرعونی» خوانند بزرگ باشد چنان که سوار را بخورد...» (همدانی: ۳۲۲)

«دیگر به بادیه مصر ملخ بود هر یک چند بدستی آن را جراد فرعون خوانند، هر چه یابند بخورند...» (طبری: ۲۳۶)

۱۲- عجایب پشه: در مبحث «عجایب پشه»، از دیگ (کوزه‌ای)، مسین سخن رفته که به طلسم درست شده و مانع آمدن پشه به آن نواحی میشد. در تحفه‌الغرائب نیز چنین مضمونی آمده با این تفاوت که در تحفه‌الغرائب از هر کدام از ملخ و مگس و پشه فقط یکی به طلسم در دیگ گذاشته شده ولی در عجایب‌نامه فقط پشه در دیگ گذاشته شده آن هم سیصد و شصت عدد. همچنین در تحفه‌الغرائب بعد از شکستن طلسم، دوباره طلسم را برجای خود میگذارند و پشه‌ها دیگر به شهر نمیایند ولی در عجایب‌نامه طلسم شکسته شده، دوباره درست نمیشود و شهر از دست پشه‌ها ویران میشود و نیز مکان این کوزه در عجایب‌نامه ولایت مصر و در تحفه‌الغرائب شهر نصیبین^۱ آمده:

«در ولایت مصر ... کوزه‌ای مسین یافتند، سر وی باز کردند. تیرست^۲ و شصت پشه زرین در آن بود ... و بر سر کوزه نبشته که این صنعت فلان دختر است. آن را بگذاختند و آن طلسم بشکست و پشه در این اقلیم آمد و این حدود از دست پشه بیران شد. و ندامت سود نمی‌دارد.» (همدانی: ۳۲۶)

«دیگر به شهر نصیبین ... دیگی رویین پدید آمد و...» (طبری: ۲۳۵)

۱۳- عجایب درخت: در مبحث «عجایب درختان»، پس از توصیف انواع درختان به ترتیب الفبایی، به ذکر برخی درختان عجیب نیز پرداخته که از این میان مضمون هشت درخت عجیب، به آنچه در تحفه‌الغرائب آمده شبیه است که عبارتند از: درختی با برگهایی به صورت آدمی (همدانی: ۳۲۷، طبری: ۲۰۲)؛ درخت فلفل (همدانی: ۳۴۰، طبری: ۲۱۹)؛ درختی شبیه توت با برگهایی چون چراغ فروزان (همدانی: ۳۴۴، طبری: ۲۱۸)؛ درختی با شاخ‌های دراز هر یک چون رسنی (همدانی: ۳۴۵، طبری: ۲۱۹)؛ درختی که به شب چون آتش افروزد (همدانی: ۳۴۵، طبری: ۲۲۰)؛ درختی که چون زخمی بر آن آید خون از آن بیرون آید (همدانی: ۳۴۶، طبری: ۲۱۸)؛ درختی که به آتش نسوزد (همدانی: ۳۴۶، طبری: ۲۱۹) و درختی که بر روی آب روان است که از این میان به ذکر آخرین مورد بسنده میشود:

درختی سپید چون بلور که بر روی آب میرود در عجایب‌نامه دلیل گردش این درخت بر روی آب بیان شده ولی در تحفه‌الغرائب کسی نتوانسته دلیل گردش آن را معلوم کند. همچنین در عجایب‌نامه محل آن درخت، دریایی درحد مغرب آمده و در تحفه‌الغرائب چشمه‌ای به راه گرگان:

«درحد مغرب دریاییست، هر زمان در آن درختی پدید آید سپید، مانند بلور و در آن دریا می‌رود و هر سال که پدید آید فراخی بود. ملک مغرب زنجیری در آن درخت بست، آن

۱- نصیبین: شهری قدیمی و مرزی در جنوب ترکیه (<https://fa.m.wikipedia.org>)

۲- تیرست: سیصد، ویژگی سبکی، (ر.ک: عجایب‌نامه، مدرس صادقی، ص: بیست)

درخت زنجیر بگسیخت و ناپدید شد... یکی گفت «در حدود مشرق، دریایی‌ست در آن لاکپشتی، در پشت وی درختی رسته از استخوان سپید. هر وقتی ناپدید شود. اکنون ظاهر شد، طوقی آهنین در میان وی بسته. نمی‌دانیم که حال وی چیست و آن طوق از کجا آورد تا ملک ایشان را خبر داد از این.» (همدانی: ۳۴۶)

«دیگر به راه گرگان یکی چشمه است و اندر آن چشمه یکی درخت است و...» (طبری: ۲۱۳)
۱۴- عجایب نهرها: در مبحث «عجایب نهرها و چشمه‌ها» از میان نهرهای مختلفی که به ترتیب الفبایی ارائه و توصیف کرده مضمون شش نهر با آنچه در تحفه‌الغرائب آمده شبیه‌است که عبارتند از نهراندلس (همدانی: ۳۵۹، طبری: ۲۱۴)؛ نهری در طبریه (همدانی: ۳۶۳، طبری: ۲۱۱)؛ نهری بر چهار فرسنگی دمشق (همدانی: ۳۶۳، طبری: ۲۱۵)؛ عین‌فاریاب (همدانی: ۳۶۳، طبری: ۲۰۹)؛ عین‌الیمن (همدانی: ۳۶۵، طبری: ۲۱۰)؛ عین‌الفرس:

«عین‌الفرس چشمه‌هایی عظیم است در حدود چین، هر که خواهند که باران بارد، اسپی را در آن منابع کنند و مردم گرد آن باستند، در حال باران آید. چون بسیار ببارد، اسب را بیرون کنند، باران باز ایستد. آنکه اسب را بکشند و گوشت وی بر کوه‌ها نهند تا وحوش و طیور بخورند.» (همدانی: ۳۶۳)

«دیگر در حد چین، آبدانی است که...» (طبری: ۲۱۱)

اسم چشمه‌ها در عجایب‌نامه «عین‌الفرس» آمده ولی در تحفه‌الغرائب این اسم ذکر نشده‌است.
۱۵- عجایب کوهها: در مبحث «عجایب کوهها» باز به ترتیب الفبایی به ارائه و توصیف کوههای مختلف پرداخته که آنچه همدانی در توصیف سه کوه: برطائیل (همدانی: ۳۶۹، طبری: ۲۲۶)؛ طیور (همدانی: ۳۷۳، طبری: ۲۲۴) و فنصوری آورده در تحفه‌الغرائب هم دیده میشود بعنوان مثال:

«جبل فنصوری کوهی‌ست که از آن کافور آرند، در دریای هند... به آن حدود ماهی‌ای باشد هر که وی را بگیرند و از آب بیرون آرند سنگی گردد در حال.» (همدانی: ۳۷۴)
«دیگر به حد قیصور در دریای قیصور جزیره‌ای هست که...» (طبری: ۲۰۶)

۱۶- عجایب اقالیم و بلاد: بالاخره در مبحث «عجایب اقالیم و بلاد» که طولانی‌ترین و آخرین مبحث در عجایب‌نامه همدانی‌است و باز به ترتیب الفبایی‌است از میان اقالیم مختلفی که به توصیف آنها پرداخته، آنچه در توصیف چهار اقلیم: بابل، خبیص (همدانی: ۴۳۸، طبری: ۱۱۹)؛

۱- «فنصور» و «قیصور» هر دو مکانی در هند هستند قیصور نام جزیره‌ای‌است در هند که به صورت فنصور (بغاء و نون) نیز آمده‌است. در معنی فنصور نیز آمده: فنصور شهری‌است بزرگ به هندوستان، نام این شهر به صورت قیصور نیز آمده‌است. (<https://www.vajehyab.com>)

قریطاس (همدانی: ۴۶۹، طبری: ۲۳۶) و مهدیه (همدانی: ۴۸۱، طبری: ۲۰۷) و عجایب این شهرها آورده در تحفه‌الغرائب هم دیده میشود که یک نمونه ارائه میگردد:

بابل، در مورد هفت شهر بابل و عجایب این هفت شهر در هر دو کتاب مضامین یکسان است: «بابل هفت حصن بود. و از عجایب عالم بود. در اول، خانه‌ای کرده بودند...» (همدانی: ۴۱۷)

«دیگر به زمین بابل هفت شهر است. هر یکی را عجایی دیگر است: در شهر نخستین...» (طبری: ۲۳۵)

گفتنی است در عجایب‌نامه در پایان ذکر عجایب هفت شهر به دو مطلب دیگر نیز اشاره شده یکی: بنای شهر که به ضحاک نسبت داده شده حال آنکه در تحفه‌الغرائب این انتساب ذکر نشده. دیگری دلیل ویرانی شهرهاست که در عجایب‌نامه آمده: چون بعد از مرگ اسکندر، که ملک این شهرها نیز دانسته شده، اهل بابل بی‌بهرگی و بی حاصلی اسکندر را از این همه گنج دیدند، دست از کار باز داشتند تا اینکه ولایت آنها را آب گرفت و از این هفت شهر اثری نماند. حال آنکه در تحفه‌الغرائب این مطلب نیز ذکر نشده است.

خواص مشترک

چنانکه در مقدمه اشاره شد علم خواص یا همان برشمردن خواص و منافع اعیان طبیعی چون حیوانات، گیاهان، سنگها و... یکی دیگر از مهمترین ویژگیهای متون عجایب‌نامه‌ای محسوب میشود. این ویژگی در کتاب تحفه‌الغرائب نمود بیشتری دارد چنانکه در آغاز کتاب، چندین باب به خاصیت چیزهای مختلف اختصاص یافته است. اما در کتاب عجایب‌نامه همدانی این ویژگی به باب یا فصل خاصی اختصاص نیافته و در لابلاهای فصلهای مختلف کتاب، به برخی خواص و منافع طبیعی نیز اشاره شده که از این میان برخی خواص مشترک در خاصیت حیوانات، سنگها و مکانها بین مطالب دو کتاب دیده میشود از آنجا که این خواص اغلب در جمله‌های کوتاه ارائه شده‌اند لذا به صورت جدول نشان داده شدند تا بسهولت به یکسانی کامل جملات و مضامین توجه شود:

۱- خواص حیوانات:

عجایب‌نامه	تحفه‌الغرائب
«ببر... چون بیمار شد، سگی را بخورد به شود.» (۲۳۷)	«ببر چون بیمار شود، سگ بجوید و بخورد، به شود.» (۱۰۱)
«بز چون بیمار شود، شیرم یا سقمونیا بخورد نیک شود.» (۲۳۷)	«بز چون بیمار شود، برگ سپرغم بخورد یا سقمونیا، به شود.» (۱۰۱)
«پانگ بیمار موش را بخورد، نیک شود.» (۲۴۱)	«پانگ چون بیمار شود، موش بخورد، به شود.» (۱۰۱)

«اگر خوک را بر پشت خری بندند خر چون بول کند، خوک بمیرد.» (۲۴۶)	«دیگر اگر خوکی را ببندند و بر پشت خری نهند و بگذارند چندان که خر گمیز بکند، خوک بمیرد.» (۱۳۲)
«چون شتر بکشند، خایه و شق‌شق‌وی ناپدید گردد. اطباء گویند: «دو عضو است که به مرگ باطل گردد و ممکن بود-که شتر بدزهره است خایه وی با گرده گریزد.» (۲۵۳)	«دیگر هر گه که اشتر نر بمیرد در وقت چون خایه او را طلب کنند، نیابند که ناپدید شده باشد.» (۱۹۹)
«اگر از پوست گفتار انبانی کنند و تخم را در آن کنند و بکارند، هرگز ملخ گرد آن کشته نگردد.» (۲۶۶)	«دیگر اگر از پوست گفتار غربالی سازند و تخم‌های کشت را بدان فرو بیزند. پس بکارند، ملخ بر آن زبانی نکند البته.» (۱۰۹)
«هر که زبان گفتار با خود دارد، سگ از وی گریزد.» (۲۶۶)	«اگر زبان گفتار کسی با خود دارد سگ از وی بگریزد.» (۲۰۳)
«اگر از پوست گرگ دفی سازند و بزنند همه دفاها بدرد.» (۲۷۳)	«اگر از پوست گرگ دفی سازند یا طبلی و... بزنند، آن همه دفاها و طبلی‌ها دریده شود.» (۱۲۳)
«بوم را بکشند، چشمی باز کند و یکی بر هم نهد.» (۲۸۰)	«دیگر چون بومی را بکشند، چشمی باز کرده بود و چشمی بر هم نهاده.» (۱۰۹)
«و شتر مرغ... اگر ده سال در آتش سوزانند، نسوزد. و این خاصیت معده وی است.» (۲۸۹)	«دیگر اشتر مرغ همچنین چون آتش ببیند، بردارد و بخورد که دهانش نسوزد.» (۱۹۹)
«کرکس... چون چشم وی تاریک شود، زهره آدمی بجوید و در چشم مالد تا نیک شود.» (۲۹۶)	«کرکس چون بیمار شود، تیرگی در چشمش کار کند، زهره مرد طلب کند و چشم اندر او مالد، چشمش روشن شود.» (۱۰۲)

۲- خواص سنگها:

عجایب‌نامه	تحفه‌الغرائب
«سنگی بود در حدود مشرق، چون در سرکه افکنند، شناو برد چون ماهی.» (۳۷۷)	«سنگی دیگر است هم به مصر. چون اندر سرکه افکنند، جنبیده گردد.» (۱۰۴)

«حجر جزع اگر در موی زن پیچند و بر سر وی نهند، حالی بزاید.» (۳۸۰)	«دیگر جزع، سنگی است که او را بر موی زنی بندد که به سختی همی زاید، در وقت به آسانی بزاید.» (۱۰۵)
حجر جَمَست، خاصیت وی آن است که اگر از جمست قدحی سازند و از آن شراب خورند مست نگردند و اگر پاره های جمست در قدح افکنند، همین فعل کند.» (۳۸۰)	«سنگی دیگر است: جَمَست، اگر پاره ای از این جمست در شراب افکنند، هر که از آن می خورد، مستی نکند.» (۱۰۵)
«حجر قی سنگی ست به مصر. هر که در کف گیرد قی کند. چون از دست بنهد ساکن گردد.» (۳۸۶)	«سنگی دیگر است در نواحی مصر که چون مرد بر دست گیرد قی بر آن کس افتد... تا آن حد که اگر دیر بدارد، هلاک شود.» (۱۰۴)
«حجر یرقان سنگی بود در آشیان خطاف ^۱ یابند. هر که را یرقان بود، بر خود بندد، یرقان از وی برود. و اگر کسی خواهد که این سنگ را به دست آرد بچه خطاف را به زعفران بمالد، خطاف پندارد که آن یرقان است برود و سنگ یرقان بیارد و پیش بچه بنهد.» (۳۹۲ و ۳۹۳)	«سنگی دیگر است که او را حجر یرقان خوانند. چون کسی را یرقان باشد. آن سنگ بر خود بندد یرقان را ببرد. و این سنگ را چنان به دست توان آورد که بچگان پرستک را از آشیانه بدر آرد و به زعفران بیالاید، چون نر و ماده ایشان را زرد ببینند به طلب این سنگ روند و در آشیانه روند...» (۱۰۵)

۳- خاصیت مکانها:

عجایب نامه	تحفه الغرائب
«هر که به بحرین رود، طحال وی بزرگ شود و این خاصیت این شهر است.» (۴۱۸)	«دیگر هر که در بحرین آرام گیرد، سپرز او بزرگ شود و سطر.» (۲۳۱)
«و گویند هر که در تبت رود، خندد تا بیرون آید.» (۴۲۶)	«هر کس که در شهر تبت شود، مادام تا در آن شهر بود خرم و خندان بود.» (۲۳۱)
«از مدینه همیشه بوی خوش آید و آن بوی خوش در جوهر مدینه است.» (۴۷۶)	«دیگر هر که در مدینه رسول صلوات الله و سلامه شود، در وقت بوی خوش بدو رسد چنان که او را خوش آید.» (۲۳۱)

«مَصِیصه ^۱ ... در این شهر روزه داشتن جنون آرد، این خاصیت این شهر است.» (۴۷۸)	«دیگر هر که در شهر مصیصه آروزه دارد، در تابستان گش سیاه بر او پدید آید و دیوانه شود.» (۲۳۱)
«از خواص موصل آن است که هر غریب که در آنجا مقام کند، در تن خود قوتی زیادت بیند.» (۴۸۱)	«دیگر هر که در شهر موصل یک سال بایستد، نیروی وی زیادت از آن شود که پیش از آن بوده باشد.» (۲۳۱)

نتیجه

عجایب‌نامه‌نویسی از موضوعات مورد علاقه نویسندگان در طول دوره‌های مختلف ادب فارسی است. در این قبیل نوشته‌ها همچنان که از اسم آن پیداست، نویسنده میکوشد شگفتیهایی موجود در مکانهای مختلف عالم را با شرح و تفصیل به اطلاع مخاطب خود برساند. نظر به اینکه بخش اعظم مطالب موجود در این کتب به بیان شگفتیهایی سرزمینها، کوهها، دریاها و صحراها مربوط است برخی پژوهشگران، چنین نوشته‌هایی را در ردیف کتب جغرافیا طبقه‌بندی کرده‌اند ولی باید توجه داشت که علاوه بر مسائل مربوط به حوزه جغرافیا از سایر حوزه‌های دانش بشری نیز مطالب و اشارات قابل توجهی در این کتب به چشم می‌خورد.

با تامل در چنین آثاری میتوان به این نتیجه رسید که اغلب مطالب موجود در این کتب با چاشنی اغراق و تخیل همراه است و بعضاً این ویژگی به قدری برجسته و مبالغه آمیز است که پذیرش مطالب مورد اشاره را با تردید جدی مواجه می‌سازد. لیکن باید به این موضوع اذعان کرد که نویسندگان چنین کتابهایی، معمولاً هسته‌ای از واقعیت را با حواشی و زوائد فراوان توصیف میکنند.

تحفه‌الغرائب اثر محمدابن‌ایوب‌الحاسب‌طبری، ریاضیدان قرن پنجم است. این کتاب مشتمل بر سی و چهار باب در بیان خواص و عجایب صنوف مختلف است و براساس قرائن موجود ظاهراً قدیمیترین کتابی است که به زبان فارسی در این حوزه نوشته شده و یا لااقل بدست ما رسیده و به جهت قدمت و اهمیتی که داشته است نویسندگان مختلف در طول زمانهای متوالی به مطالب آن استناد کرده‌اند که از جمله آنها میتوان به محمدابن‌محمود-همدانی در کتاب عجایب‌نامه اشاره کرد.

۱- مَصِیصه، در دانشنامه آزاد پارسی: شهری باستانی در آسیای صغیر بر کرانه رود (جیحان کنونی) واقع در کشور ترکیه. <https://dictionary.abadis.ir>

۲- تا جایی که نگارندگان جستجو کردند، ضبط شهر به صورت «مصیصه» دیده نشده است.

عجایب نامه که اسم کامل آن عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات است توسط محمدابن محمود ابن احمد طوسی (همدانی) نگاشته شده است. از این کتاب با نام جام گیتی نمای نیز نام برده شده است. در ویرایش جدید این کتاب از جعفر مدرس صادقی که ملاک تحقیق حاضر نیز بوده، کتاب به شصت و شش فصل تقسیم شده و هر فصل به بیان عجایب صنغهای مختلف اختصاص یافته است. نثر همدانی در این کتاب مانند تحفه الغرائب و بسیاری از معاصرانش همان سبک نثر ساده و بی تکلف قرن چهارم و پنجم هجری است.

مطالب و مضامین مشترک در دو اثر را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد :

- ذکر عجایب خشکی (زمینی)

- ذکر عجایب بحری

- ذکر عجایب آسمانی (فرازمینی)

- ذکر عجایب مربوط به موجودات مافوق طبیعی (غیرانسان)

بخش اعظمی از مطالب مربوط به دسته بندی فوق در هر دو اثر، دارای اشتراکات و مشابهات فراوانی هستند که در متن مقاله به تفصیل از آنها یاد شده است. لیکن گاه مضامین دارای اختلاف نیز در لابلای مطالب هر دو کتاب به چشم میخورد که نمونه هایی از آنها به قرار زیر است:

۱- **اختلاف در ضبط اسامی مکانها و شهرها:** بعنوان مثال در عجایب نامه از شهری با عنوان «مَصِیصَه» یاد شده است ولی در تحفه الغرایب از این شهر با عنوان «مَصِیصِد» نام برده شده است و تا جایی که نگارندگان اطلاع یافتند شهری به نام مَصِیصِد وجود ندارد و صحیح همان «مَصِیصَه» است که شهری است باستانی در آسیای صغیر واقع در ترکیه.

- گاه نیز این اختلاف در ضبط مکانها بدین صورت است که پدیده ای شگفت در عجایب نامه به یک مکان و در تحفه الغرائب به مکانی دیگر نسبت داده شده است. بعنوان مثال توصیف دیگ مسین طلسم شده در عجایب نامه به ولایت مصر و در تحفه الغرائب به شهر «نصیبین» (شهری در ترکیه) نسبت داده شده است.

- گاه نیز اختلاف در ضبط اسامی مکانها ظاهری است و در واقع هر دو مکان، یک ناحیه محسوب میشوند بعنوان مثال ضبط مکانی به نام «فَنصُور» در عجایب نامه و «قیصور» در تحفه - الغرائب که در واقع هر دو یک مکان هستند و در همدو واقع شده اند.

۲- **اختلاف در حجم برخی مضامین:** بعنوان مثال توصیف جنیان آبی که در تحفه الغرائب با تفصیل و جزئیات بیشتری مطرح شده است. و یا توصیف شهر بابل که در عجایب نامه با تفصیل و جزئیات بیشتری بیان شده و در آن از بانی این شهر و دلایل ویرانی آن سخن رفته است.

۳- **اختلاف بین دو مضمون در نامگذاری متفاوت پدیده‌های عجیب:** بعنوان مثال اسم درختی عجیب شبیه انگور که در عجایب‌نامه با عنوان «کرکیس» و در تحفه‌الغرائب با عنوان «عواکس» خوانده شده‌است.

- گاه نیز این اختلاف، مربوط به نامگذاری یک پدیده شگفت در یک کتاب و عدم نامگذاری همان پدیده در کتاب دیگر است. بعنوان مثال نام چشمه‌ای که برای پر آب شدن، اسبی را در آن قربانی میکردند در عجایب‌نامه «عین الفرس» خوانده شده ولی در تحفه‌الغرائب اسمی برای این چشمه ذکر نشده‌است.

۴- **اختلاف دو مضمون در ذکر یا عدم ذکر علت پدیده‌های عجیب؛** که با معلوم شدن دلیل آن، تا اندازه‌ای از شگفتی مطلب نیز کاسته میشود. بعنوان مثال در عجایب‌نامه علت گردش درخت بر روی آب بیان شده ولی در تحفه‌الغرائب دلیل آن معلوم نشده‌است.

۵- **اختلاف بین دو مضمون در توصیف جزئیات پدیده‌های واحد:** بعنوان مثال در توصیف ققنوس در دو کتاب اختلافاتی در جزئیات توصیف دیده میشود.

منابع:

الف) کتابها

- الفهرست، محمد بن اسحاق بن ندیم (۱۳۸۱)، ترجمه و تحشیه: محمد رضا تجدد، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۶)، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تحفه‌الغرائب، طبری، محمد بن ایوب الحاسب (۱۳۹۱)، تصحیح: جلال متینی، چاپ دوم، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- روایت، شکل و ساختار عجایب‌نامه‌ها، براتی، پرویز، (۱۳۸۸)، تهران: نشر افکار.
- عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، طوسی، محمد بن محمود (۱۳۸۲)، به اهتمام منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- عجایب‌نامه [عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات]، همدانی، محمد بن محمود (۱۳۹۰)، ویرایش متن: جعفر مدرس صادقی، چاپ اول تهران: نشر مرکز
- مروج الذهب، علی ابن حسین مسعودی (۱۳۸۲)، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسالک و ممالک، (ترجمه فارسی قرن پنجم/ششم هجری)، ابواسحاق ابراهیم اصطخری (۱۳۴۰)، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ب) مقالات

- بحثی پیرامون عجایب نامه ها و نظایر آن (معرفی غرائب الدنيا و عجایب الاعلی شیخ آذری- طوسی)، سلطانی، اکرم (۱۳۸۵)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۷، شماره ۲، صص: ۱۳۱-۱۴۹.
- پیشرفت های حیرت انگیز، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، رشنوزاده، بابک (اسفند ۱۳۸۸)، کتاب ماه علوم و فنون، شماره ۱۲۳.
- دیو مردم ها در عجایب نامه های فارسی، شریف پور، عنایت الله، عطایی زاده، فاطمه (۱۳۹۸)، کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی حقوق و فرهنگ عامه، تهران: دانشگاه تهران.
- رد انتساب عجایب الدنيا به ابوالموید بلخی بر حسب مقایسه این اثر و عجایب مندرج در گرشاسب نامه اسدی طوسی، دهرامی، مهدی، (۱۳۹۸)، مجله متن شناسی ادب فارسی، شماره ۴۴، صص: ۹۵-۱۱۱.
- شیز در عجایب نامه ها، نوروزی، سارا، (۱۳۹۶)، مجله: تاریخ روایی، دوره دوم، شماره ۷، صص: ۶۰-۷۸.
- عجایب نامه ها به منزله ادبیات و همناک با نگاهی به برخی حکایت های کتاب عجایب هند، حری، ابوالفضل، (۱۳۹۰)، فصلنامه علمی- پژوهشی نقد ادبی، س ۴، ش ۱۵، صص: ۱۳۷-۱۶۴.
- عجایب نامه ها و متون عجایب نامه ای، معرفی ساختاری متن ها، زمردی، حمیرا، مهری، فاطمه (۱۳۹۳)، فصلنامه تخصصی بهار ادب، سال هفتم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۲۶، صص: ۳۳۹-۳۵۴.
- «کافور فنصور یا کافور منثور»، پیشنهادی در تصحیح واژه ای در شاهنامه، حقیقی، فرزاد، (۱۳۹۱)، جستارهای ادبی، (ادبیات و علوم انسانی سابق) مجله علمی پژوهشی، شماره ۱۷۹، صص: ۶۵-۸۹.
- مبادی طرحی نو در خوانش عجایب نامه ها، مهری، فاطمه (۱۳۹۷)، ادب فارسی، سال ۸، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۱، صص: ۹۸-۱۱۳.
- مقایسه تطبیقی دیوها و موجودات مافوق طبیعی در عجایب المخلوقات قزوینی و بحیره قزوینی استرآبادی، ابراهیمی، معصومه، (۱۳۹۱)، مجله ادبیات تطبیقی، شماره ۶، صص: ۳۰-۱.

ج) پایان نامه

- بررسی جایگاه عجایب در نظام دانش های کهن بر پایه ادب فارسی، مهری، فاطمه، (۱۳۹۳)، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، به راهنمایی دکتر حمیرا زمردی، دانشگاه تهران، شماره ثبت ۶۱۹۵۸.